

عنوان کتاب

تحلیل و بررسی چالش‌ها و راهکارهای برنامه ریزی درسی در
نظام آموزش عالی ایران

مؤلف:

منیره فتاحی - نرگس میرانی

محمدرضا پراز

نشر - جوهر حیات ۱۳۹۸

سرشناسه	فتاحی، منیره، ۱۳۵۹.
عنوان و نام پدیدآور	: تحلیل و بررسی چالش های برنامه ریزی درسی در ایران / مؤلفین / منیره فتاحی - ثریا میرزائی - محمد پراز
مشخصات نشر	: ایلام: جوهر حیات، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۳ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۰۰-۹۲-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فایا
موضوع	: ایران- مدیریت - برنامه ریزی.
موضوع	: Iran-Management - Training
موضوع	: چالش ها - برنامه ریزی
شناسه افزوده	: میرزائی، ثریا، ۱۳۵۸.
شناسه افزوده	: پراز، محمد رضا، ۱۳۷۰.
رده بندی کنگره	: ۳۷۱.۱۳: ک ۳/۴۸۲/۳ Z
رده بندی دیویی	: ۶۵۰/۳۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۳۲۲۰



تحلیل و بررسی چالش های برنامه ریزی درسی در ایران

مؤلفین : . منیره فتاحی - ثریا میرزائی - محمد پراز

ناشر : جوهر حیات

طراح جلد : علی امیدی

صفحه آرای : محسن احمدی

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۸

شمارگان : ۲۰۰۰

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۰۰-۹۲-۰

قیمت : ۲۰۰۰۰ تومان

نشانی: ایلام، بلوار دانشجو، روبروی دانشگاه پیام نور، مجتمع تجاری آریان، انتشارات جوهر حیات

تلفن: ۰۹۱۸۳۴۲۱۹۵۱ (۰۸۴۳) همراه: ۰۹۱۸۳۴۲۱۹۵۱

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول:

مبانی و کلیات

- ۱- تعریف برنامه ریزی درسی ۱۲
- ۲- دیدگاه‌های اساسی در برنامه ریزی درسی ۱۴
- ۳- اجزای و مراحل برنامه ریزی درسی ۱۶
- ۳-۱- اقدامات اولیه (مقدماتی) ۱۹
- ۳-۲- مرحله یا فرایند گزینش هدف ۲۰
- ۳-۳- مرحله انتخاب محتوا ۲۱
- ۳-۴- شناسایی راهبردها و روش‌های تدریس ۲۲
- ۳-۵- آزمون یا اجرای آزمایشی یک برنامه درسی ۲۳
- ۳-۶- ارزیابی ۲۳
- ۴- مسائل اساسی در برنامه ریزی درسی ۲۴
- ۵- الزامات برنامه ریزی درسی ۲۹

فصل دوم:

تحولات برنامه ریزی درسی در آموزش عالی در ایران

- ۱- جهت گیری های برنامه های درسی در دوره عمل گرایی (۱۳۱۳-۱۳۵۷)..... ۵۳
- ۲- جهت گیری های برنامه درسی در دوره فرهنگی مذهبی (۱۳۵۷-۱۳۶۳):..... ۵۹
- ۳- جهت گیری های برنامه درسی در دوره تمرکز گرایی (۱۳۶۳-۱۳۷۹):..... ۶۵
- ۳-۱- رخدادهای برگزار بر حوزه برنامه درسی دوره تمرکزگرایی (۱۳۶۳-۱۳۷۹):
..... ۶۹
- ۴- جهت گیری های برنامه درسی در دوره تمرکززدایی از برنامه های درسی
دانشگاهی (۱۳۷۶ به بعد):..... ۷۲
- ۵- جهت گیری های برنامه درسی در دوره اسلامی سازی (از سال ۱۳۷۹ به بعد):..... ۷۷
- ۶- اهداف شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی ۸۸
- ۶-۱- وظائف و اختیارات شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی ۸۸
- ۶-۲- ترکیب اعضای شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی ۹۰
- ۶-۳- تأکید قانون برنامه پنج ساله پنجم و ششم توسعه کشور در حوزه تحول و ارتقاء
برنامه های درسی علوم انسانی ۹۱
- ۷- تجزیه و تحلیل ۹۲

فصل سوم:

چالش‌های برنامه ریزی درسی در ایران

- ۱- جهانی شدن و برنامه درسی در آموزش عالی ۱۰۲
- ۲- چالشهای عمده پیشرای کیفیت آموزش عالی ۱۰۸
- ۳- چالشهای عمده ی برنامه ریزی درسی در آموزش عالی ۱۱۲
- نتیجه گیری و پیشنهادات ۱۲۱
- منابع ۱۲۸

در قرن گذشته حوزه های مختلف علمی، رشد بی حد و حصری را تجربه کردند و در بسیاری موارد نوعی هم افزایی و اثر مثبت بر یکدیگر نیز وجود داشت. برنامه ریزی درسی و بعدها برنامه درسی هم از این امر مستثنی نبوده و به عنوان یکی از حوزه های دانش بشری، از اوایل قرن بیستم نضج گرفته و بعد از جنگ جهانی دوم به سرعت گسترش یافت به طوری که امروزه ما شاهد ایجاد شرایط تشعب و حرفه ای شدن و تنوع عمل سازمانی در این حوزه هستیم هر چند افرادی که به صورت مستقیم و غیر مستقیم با موضوع برنامه های درسی در ارتباط هستند از گذشته کار خود را در قالب نظام آموزشی رسمی و غیر رسمی انجام داده اند و بسیاری موارد عنوان شغلی خاص نداشته اند و همه آنها با عنوان مربی خوانده می شدند. شاید بتوان گفت حرفه ای ترین وجه برنامه درسی، برنامه ریزی درسی است که در آن یک برنامه تولید می شود با گسترش دامنه عمل در حوزه تعلیم و تربیت (عمومی و عالی) تخصصی شدن حیطه های کاری، انباشت دانش نظری تغییر انتظارات و شکل گیری گرایش ها و زیر رشته ها ضرورت نگاه حرفه ای به افراد درگیر در حوزه تعلیم و تربیت و به تبع آن برنامه درسی به شدت احساس شد از این رو برنامه ریزی درسی در دهه های پنجم به بعد قرن گذشته با شدت

زیادی توسعه یافت. با توجه به اهمیت برنامه ریزی درسی، در این فصل به تشریح مبانی و کلیات مربوط به این مهم می پردازیم.

۱- تعریف برنامه ریزی درسی

کری کیولم در لغت از کلمه لاتین Currere به معنای راهی که باید طی شود گرفته شده است. در ارائه تعریف برنامه ریزی درسی باید بین مفهوم برنامه درسی با برنامه ریزی درسی تمایز قایل شد. تعاریف مختلفی از برنامه درسی در ادبیات این رشته وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از:

- «طراحی برای ایجاد فرصت های مناسب یادگیری برای افرادی که می خواهند تعلیم و تربیت ببینند» (جی گالن سر)

- «برنامه درسی در حقیقت نقشه ای است که در آن فرصت های یادگیری برای رسیدن به هدف های کلی و جزئی مربوط به برای گروه خاصی از دانش آموختگان در نظر گرفته شده اند، فراهم شده است» (سیلر و الکساندر).

- «برنامه درسی عبارت است از یک سلسله وقایع آموزشی طراحی شده که به قصد تحقق نتایج آموزشی برای یک یا چند دانش آموز پیش بینی شده است»

(آیزنر)

- «برنامه درسی پی ریزی طرح هایی برای هدایت آموزش در مدارس است که معمولاً در قالب اسنادی قابل ارزیابی در چندین سطح از عمومیت تهیه می شود، این طرح ها در کلاس درس اجرا می شوند؛ تجربه هایی که در یک محیط آموزشی اتفاق می افتد که در عین حال آنچه را آموخته شده است، تحت تأثیر قرار می دهد» (گلاتورن)

- «برنامه درسی به هر تجربه های یادگیری طراحی شده توسط مؤسسات آموزشی که به یادگیرندگان ارائه می شود و نیز تجربه هایی که خود دانشجویان در حین تحقق مقاصد از قبل تعیین شده به آن دست می یابند، نظر دارد» (پرینت)

نقطه اشتراک تمام تعاریف ارائه شده مفهومی است که در قالب اصطلاحاتی چون، فرصت یادگیری، واقعه آموزشی، فرآیند یادگیری، تجربه یادگیری بیان شده است. اگر هر چهار اصطلاح یاد شده را که همگی مفهوم مشابهی را به ذهن متبادر می کنند نخست به عنوان فرصت یادگیری در نظر بگیریم، آنگاه منظور از فرصت یادگیری، یک ارتباط برنامه ریزی و کنترل شده بین دانشجوی استاد، مواد آموزشی، تجهیزات و محیطی است که انتظار می رود یادگیری مورد نظر در آن صورت گیرد.

«بر این اساس، برنامه ریزی درسی عبارت است از پیش بینی و تهیه مجموعه فرصت های یادگیری برای جمعیتی مشخص به منظور نیل به آرمان ها و هدفهای آموزشی و پرورشی و چهار عنصر اصلی آن عبارتند از: ۱. اهداف، ۲. طرحها، ۳. اجرا (آموزش)، ۴. ارزشیابی».

۲- دیدگاه های اساسی در برنامه ریزی درسی

به طور خلاصه، این نگرش با دیدگاه اساسی به مفهوم و تعریف برنامه ریزی درسی عبارتند از دیدگاه رشد و توسعه فرایندهای ذهنی، دیدگاه منطلق گرایی علمی، دیدگاه تحقق حویشتر و دیدگاه بازسازی اجتماعی.

در دیدگاه نخست، رشد و توسعه فرایندهای ذهنی، برنامه درسی در خدمت رشد و توسعه فرایندهای ذهنی فرد دید می شود، حامیان این دیدگاه مخالف سرسخت انتقال اطلاعات و دانش به دانشجویان (الفاظ، محوری) هستند و برنامه های درسی مبتنی بر این دیدگاه اغلب از نوع برنامه های مسئله محور و مبتنی بر روش حل مسئله است و بر مهارت هایی چون قدرت تجزیه و تحلیل، ارزیابی و ترکیب تأکید می شود.

طرفداران دیدگاه دوم، منطق گرایی علمی، کارکرد اصلی مدرسه را رشد قوای ذهنی دانش آموزان در آن دسته از موضوعات درسی که ارزش بالایی یادگیری

دارند، می‌دانند. در این دیدگاه سعی بر این است که پرورش عقلی از طریق انتقال میراث فرهنگی و فراهم کردن زمینه فراگیری با قوی‌ترین و غنی‌ترین دستاوردها و آثار عقلی بشر صورت گیرد. تأکید در این دیدگاه بر "محتوا" به جای "فرایند" است.

دیدگاه سوم، دیدگاه تحقق خویشتن، فرد به عنوان محور و منبع تصمیمات برنامه درسی است و برنامه‌ها با هماهنگی و همفکری دانشجویان تهیه می‌شود و اجرای برنامه‌های از پیش تعیین شده بر اساس این دیدگاه مردود است و اعتقاد بر این است که تهیه برنامه‌های درس با شیوه متمرکز به طور یقین نمی‌تواند مبتنی بر شناخت دقیق نیازها و علائق دانشجویان و شرایط متنوع آنها باشد.

دیدگاه چهارم، بازسازی اجتماعی، نقطه مقابل دیدگاه قبلی است و در آن نیازهای جامعه بر نیازهای فرد مقدم دانسته می‌شود. و نظریه موجود در این دیدگاه، نظریه حال نگر و نظریه آینده نگر است، نظریه اول معتقد است که تعلیم و تربیت باید در جهت تطبیق با وضعیت موجود اجتماع سوق داده شود. در مقابل، نظریه آینده نگر معتقد است که سمت‌گیری برنامه‌های درسی باید در جهت ایجاد تغییرات بنیادی در ساختار اجتماع باشد.

به طور کلی، بر اساس نگرش های مختلفی که به آنها به طور خلاصه در بالا اشاره شد، مبانی اساسی برنامه ریزی درسی بر حول سه محور: جامعه، یادگیرنده و دانش قرار دارد و به عبارتی سه منبع اصلی در ملاحظات مربوط به انتخاب ها و تصمیمات برنامه ریزان درسی عبارتند از سه موضوع جامعه، یادگیرنده و دانش. اینکه در جامعه اصالت و ارزش به کدام یک از محورهای فوق داده می شود، در شکاف گیری نهایی اهداف تعلیم و تربیت و در نهایت در شکل گیری تصمیمات برنامه ریزی درسی بسیار مؤثر است.

۳- اجزای و مراحل برنامه ریزی درسی

در تمام ادبیات موجود در خصوص تهیه برنامه درسی اشاره به چهار عنصر اصلی یک برنامه درسی شامل اهداف، محتوا، روش ها و ارزشیابی شده است. به این ترتیب، «اغلب نویسندگان عقیده دارند که چهار مرحله عمده در جریان برنامه ریزی درسی وجود دارد که عبارتند از: گزینش اهداف، گزینش و سازماندهی محتوا، گزینش و سازماندهی تجربه های یادگیری (روش ها) و ارزشیابی»

لوی (در سال ۱۹۷۷)، شش مرحله اساسی پیاپی را که بیانگر رویکردی خطی و عقلایی نسبت به برنامه ریزی است، به شرح زیر بیان داشت:

۱. تصمیم‌گیری در باره اهداف کلی
 ۲. تهیه برنامه شامل تعریف اهداف یادگیری، نوشتن خطوط اصلی برنامه، انتخاب عناوین برای آموزش و آماده‌سازی مواد آموزشی؛
 ۳. آزمون و هدایت یاددهی در کلاس‌های درس و مشاهده فرایندهای کلاسی؛
 ۴. آزمایش‌های میدانی و تعیین موقعیت‌های بهینه برای برنامه
 ۵. اجرا، آموزش ضمن خدمت برای مدرسه‌ها ارتباط با سرپرستان، سیستم امتحانات و مؤسسات آموزش عالی از خدمت مدرسان؛
 ۶. کنترل کیفی، آزمون کیفیت، اجرای برنامه و یک هدایت مستمر در باره برنامه
- در سال ۱۹۸۶، یولویه بر اساس تجربه‌های به دست آمده در کشورهای آفریقایی الگویی را به منظور فرایند تولید برنامه درسی پیشنهاد کرد که در این الگو با کاهش میزان فعالیت‌های ارزیابی فرایند تولید برنامه تسریع در این الگو شامل مراحل زیر بود:

۱. تعریف اهداف عینی آموزشی

۲. تهیه خطوط اصلی برنامه؛

۳. ارزیابی درونی مواد آموزشی توسط متخصصان؛

۴. آزمون در مثناس كوچك؛

۵. بازنگری و انتشار آخرین نسخه از برنامه درسی

همان‌طور كه گفته شد، طی سال‌های دهه ۱۹۹۰ در میان صاحب نظرانی كه در زمینه اداره فرایند برنامه ریزی درسی فعالیت می‌كنند، توافق و اجماع بر روی شماری از فرایندها با مراحل اساسی برنامه ریزی درسی به وجود آمده است. این فرایندها با مراحل اساسی عبارت‌اند از:

۱. اقدامات اولیه (مقدماتی)

۲. تدوین برنامه درسی شامل موارد زیر

الف، تعیین مقاصد یا اهداف

ب. شناسایی خصوصیات یادگیرنده

ج. ارزیابی یادگیری

د. محتوای تدریس و راهبردها

هـ- منابع یادگیری؛

۳. ساختار یک برنامه درسی؛

۴. استقرار و نگهداری برنامه درسی

به طوری که ملاحظه می شود، وجه اشتراک هر سه دسته بندی ارائه شده، مرحله اقدامات مقدماتی، فرایند تعیین اهداف - تعیین محتوای تدریس، شناسایی راهبردها و روش های تدریس، آزمون با اجرای آزمایشی یک برنامه درسی و انجام دادن بازنگری و ارزشیابی از هر برنامه درسی

۳-۱- اقدامات اولیه (مفصلی)

اغلب متخصصان برنامه ریزی درسی اتفاق نظر دارند که نقطه شروع تدوین برنامه درسی تشخیص یک نیاز انسانی است. به این ترتیب، با روشن شدن یک نیاز آموزشی برنامه درسی برای برآوردن آن نیاز تعیین می شود. سوز - ۱۹۹۱ ارزیابی و شناسایی نیازها را جمع آوری و تحلیل اطلاعاتی می داند که منتج به تشخیص نیازهای فردی، گروهی، سازمانی، محلی یا اجتماعی می شود. یکی از مراحل ارزیابی نیازها جمع آوری و تحلیل افکار و عقاید عمومی است که افکار و نظرات دسته های مختلفی از افراد جامعه اعم از مراجعان نظام آموزشی نظیر دانشجویان، فارغ التحصیلان، والدین، کارفرمایان و ترک تحصیل کردها، متخصصان مانند استادان، محققان، علما و دانشمندان علوم اجتماعی و

نظارت کنندگان نظیر مدیران، سیاستمداران، نظریه پردازان، انجمن های حرفه ای با گروه های خاص علاقه مند را شاها می شود. تحلیل مشاغل نیز می تواند در ارزیابی نیازها مورد استفاده قرار گیرد، به ویژه در مورد مهارت حرفه ای. از سایر اقدامات مقدماتی قبل از شروع برنامه ریزی، سازماندهی است؛ یعنی انتخاب برنامه ریزان واجد شرایط و هماهنگی و ارائه آموزش های لازم به ایشان و در اختیار گذاردن منابعی از قبیل زمان، بودجه به کمک های نیروی انسانی و دسترسی به تجهیزات گوناگون.

۳-۲- مرحله یا فرایند تعیین هدف

تعیین هدف های کلی و عینی، برنامه های درسی بر اساس متغیرها و عوامل خارجی و با توجه به مراحل زیر تعیین و تصحیح می شوند؛

- معرفت و دانش سازمان یافته؛

- آرمان ها و ارزش ها و نیازهای اجتماعی؛

- نیازهای یادگیرندگان؛

- فرایند یادگیری.

از جمله نکات اساسی که در تعیین اهداف برنامه درسی باید مورد توجه قرار گیرد، زندگی خارج از محیط آموزشی، الگوهای استخدام نیروی انسانی، رفتارهای جدید مورد نظر در ارتباط با بهداشت، خدمات رفاهی، سیاست و فعالیت‌های اجتماعی و تغییرات سیاسی و نوآوری‌هاست.

نیازهای نیروی انسانی متخصص از سایر منابع و عوامل مهم تأثیرگذارنده بر تعیین اهداف برنامه درسی است. همچنین، توجه به نوآوری‌ها و تحولات دانش بشری از سایر عوامل مؤثر بر تعیین اهداف برنامه‌های درسی است.

۳-۳- مرحله انتخاب محتوا

پس از انتخاب هدف، محتوای برنامه درسی انتخاب و سازماندهی می‌شود.

محتوا عبارت از مجموعه مفاهیم، مهارت‌ها و گرایش‌هایی است که از سوی برنامه ریزان انتخاب و سازماندهی می‌شود. در عین حال محتوا آثار حاصل از فعالیت‌های یاددهی - یادگیری استاد و دانشجو را نیز در بر می‌گیرد.

در مجموع، در خصوص انتخاب محتوا اصول و ملاک‌هایی از سوی صاحب‌نظرانی چون سیلور و همکارانش لوی و آدری هاروارد نیلکس ارائه شده است که از اهم آنها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

ملاک اعتبار: موثق و معتبر و درست بودن محتوا؛

ملاک اهمیت: انتخاب موضوعات دارای اهمیت کافی؛

ملاک علاقه: توجه به علایق دانشجویان در انتخاب محتوا؛

و ملاک قابل یادگیری بودن: تناسب داشتن با توانایی های ذهنی و جسمی دانشجویان.

۳-۴- شناسایی راهبردها، روش های تدریس

پس از انتخاب و سازماندهی محتوا، تعیین فرصت های یادگیری و سازماندهی این فرصت ها و به عبارت دیگر، تعیین روش مناسب از اهمیت زیادی برخوردار است. اصول کلی انتخاب فرصت ها و فعالیت های یادگیری (راهبردهای تدریس) عبارت اند از:

الف. برای رسیدن به هر هدف تربیتی، فعالیت ها و تجارب یادگیری چنان انتخاب شوند که به دانشجو فرصت انجام دادن نوع رفتار مورد نظر را بدهد.

ب. فعالیت های یادگیری چنان تعیین شوند که دانشجو از انجام دادن نوع رفتار مورد نظر هدفها احساس رضایت خاطر کند.

ج. فرصت‌های یادگیری طوری ترتیب داده شوند که یکدیگر را پشتیبانی و تقویت کنند.

۳-۵- آزمون یا اجرای آزمایشی یک برنامه درسی

تدوین یک برنامه درسی با ارزیابی و آزمون ادامه می‌یابد و برای انجام دادن این آزمایش‌ها اطلاعات فراهم شده توسط برنامه ریزان، متخصصان برنامه درسی و تدریس توسط مدیران از صاحب‌نظران که حمایت آنها برای انتخاب و اجرای هر برنامه درسی الزامی است (مثال اعضای انجمن‌های علمی)، مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از اتمام دادن این بررسی، لازم است برنامه درسی با فراگیرندگان به آزمون گذاشته شود. در این مرحله، سه نوع آزمون قابل تشخیص است: آزمون‌های آزمایشگاهی تحت شرایط مصنوعی، آزمون‌های موردی با تعداد محدودی از دانشجویان و آزمون‌های میدانی که برنامه درسی را در شماری از محل‌های محدود تحت شرایط عادی به آزمون می‌گذارد.

۳-۶- ارزیابی

از مهم‌ترین مراحل هر نوع برنامه ریزی مرحله ارزیابی است که منجر به ارائه بازخورد به کل نظام برنامه ریزی می‌شود. در برنامه ریزی درسی، ارزیابی فرایندی است که برای داوری در خصوص تناسب تصمیمات برنامه درسی به

کار می رود. اما نکته مهم این است که ارزیابی در همه مراحل برنامه ریزی درسی انجام می گیرد و خاص یک مرحله نیست. در برخی از نظریات موجود این تعبیر از ارزیابی به عنوان ارزیابی مرحله ای با تکوینی نامیده می شود و هدف آن مشارکت در اصلاح و بهبود طرح های آموزشی است. تاکنون تعداد زیادی از الگوهای ارزیابی توسط صاحب نظران به وجود آمده است که این الگوها را می توان بر اساس زمینه فلسفی و اعتقادات آنان در باره دانش و اهداف آموزش دسته بندی کرد: الگوهای عملگرا، تبادل و انتقادی، مبنای این گروه بندی روش شناسی در الگوهای یک های مورد استفاده برای جستجو، جمع آوری داده ها و توصیف و ارزیابی نتایج ارزش ها و فواید و استفاده های متفاوت از آنهاست.

۴- مسائل اساسی در برنامه ریزی درسی

موضوعاتی که در این بخش به آنها اشاره می شود، از جمله جزو اصول برنامه ریزی درسی با مراحل این نوع برنامه ریزی نیست، اما به لحاظ اهمیت کمتر از آنها نیز نمی باشد، چرا که در مجموعه ادبیات این علم بارها و بارها به اهمیت آنها اشاره شده و تحقیقات زیادی در باره آنها به انجام رسیده است و در اینجا

تنها با هدف تأکید بر اهمیت آنها و لزوم انجام دادن بررسی و پژوهش در باره آنها به گونه ای نهر ست وان به آنها اشاره خواهد شد.

الف. موضوع نوسازی و تجدید نظر در برنامه ریزی درسی؛

در پاسخ به آهنگ تحول در کشورهای مختلف، تغییرات جزئی در برنامه درسی یک تحول به شمار نمی رود و در عین حال، هماهنگ کردن محتوا و روش های تدریس با دنیای نامطمئن و در حال تغییر یک نوسازی به حساب می آید.

ب. ارتباط برنامه ریزی درسی با سایر علوم نظیر روان شناسی تربیتی، فلسفه آموزش و پرورش، جامعه شناسی، پرورش و تاریخ آموزش و پرورش به عنوان مثال: مطالعاتی با عناوین پویا بی گرهی، کنش و واکنش استاد - دانشجو، پرورش شخصیت، حل مسئله، نقش زبان در یادگیری، نقش علاقه در یادگیری و ... از جمله موضوعات پژوهشی مهم حوزه روان شناسی تربیتی است که در برنامه ریزی درسی دارای اهمیت بسیاری است.

ج. تأثیر زمینه های تخصصی (رشته تحصیلی) مجریان (استادان) بر برنامه های

درسی